



The Educational Functions of Gratitude from the Perspective of the Quran and Safihah Sajjadiyyah*

Abbas Elahi¹

Abstract

“Gratitude” is one of the fruitful Quranic and hadith concepts, educational goals and spiritual attributes, and the spirit of gratitude is one of the most obvious characteristics of humans in the path of self-improvement and reaching perfection. According to the Holy Quran, Almighty God is grateful and thanks His servants who follow the path of His obedience. In this divine book, the importance of gratitude and its functions are discussed, which is a good example for human beings to use. On the other hand, in the words of Ahl al-Bayt also about this word and its functions, much attention has been given and emphasized. Imam Sajjad in numerous prayers, he addressed the topics related to gratitude and its functions, which is considered a practical example and concrete instance. Because the educational functions of sugar in the prayers of Imam Sajjad can explain, interpret and elaborate the model presented in the Quran. It is necessary to examine this moral and spiritual statement from the perspective of the divine book and Sahifah Sajjadiyyah. Therefore, the current article has discussed the views of the Quran and the book of Sahifah Sajjadiyyah about the educational functions of gratitude and has presented its discussions in a descriptive-analytical method. Some of the findings of the present research are: reaching the position of satisfaction, preventing torments and calamities, deserving the afterlife reward, achieving salvation, etc.

Keywords: Educational Benefits, Gratitude, Increase of Blessings, Durability of Blessings, Gratitude in Quran, Gratitude in prayer.

*. **Date of receiving:** 22 May 2021, **Date of approval:** 21 April 2022.

1. Assistant Professor, Department of Comparative Quranic Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (abbas_elahi48@yahoo.com).



کارکردهای تربیتی شکر از منظر قرآن و صحیفه سجادیه*

عباس الهی^۱

چکیده

«شکر» از مفاهیم پربار قرآنی و حدیثی و از اهداف تربیتی و صفات معنوی بوده و روحیه سپاسگزاری از بارزترین ویژگی‌های انسان در مسیر خودسازی و رسیدن به کمال است. به فرموده قرآن کریم خداوند متعال شکور بوده و بندگانی که در مسیر طاعت او قدم برمی‌دارند مورد لطف و موهبت خود قرار داده و تشکر می‌کند. در این کتاب الهی به اهمیت شکر و کارکردهای آن پرداخته شده که الگوی مناسبی برای بهره‌گیری انسان‌هاست. از طرف دیگر در کلام اهل بیت علیهم‌السلام نیز درباره این واژه و کارکردهای آن بسیار توجه شده و مورد تأکید قرار گرفته است. امام سجاد علیه‌السلام در دعاهای متعدد به مباحث مربوط به شکر و کارکردهای آن پرداخته که به‌عنوان اسوه عملی و نمونه عینی به حساب می‌آید. از آنجا که کارکردهای تربیتی شکر در دعاهای امام سجاد علیه‌السلام می‌تواند مبین، مفسر و تفصیل‌دهنده الگوی ارائه شده در قرآن باشد ضرورت دارد این گزاره اخلاقی و معنوی از منظر کتاب خدا و صحیفه سجادیه بررسی گردد. از این رو مقاله پیش رو به دیدگاه‌های قرآن و صحیفه سجادیه درباره کارکردهای تربیتی شکر پرداخته و به روش توصیفی - تحلیلی مباحث خود را ارائه داده است. برخی از یافته‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: نیل به مقام رضا، پیشگیری از عذاب‌ها و بلاها، استحقاق ثواب اخروی، دستیابی به رستگاری و

واژگان کلیدی: بهره‌های تربیتی، سپاسگزاری، افزایش نعمت، دوام نعمت، شکر در قرآن، شکر در دعا.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸.

۱. استادیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمیه، قم، ایران. (abbas_elahi48@yahoo.com).



مقدمه

از مسائلی که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید کرده و در قرآن و روایات، خصلتی ارزنده و نیکو برای انسان‌ها معرفی شده، شکرگزاری و سپاس از نعمت‌های الهی است. شکر، از جمله صفات حضرت حق است و خداوند متعال در قرآن کریم خود را شاکر، شکور و دوستدار شاکران معرفی می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾؛ (بقره/۱۵۸)، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و (از افعال وی) آگاه است؛ ﴿... وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾؛ (تغابن/۱۷)، خدا بر شکر و احسان خلق، نیکو پاداش‌دهنده است و (بر گناهشان) بسیار بردبار است. «عَنْ عَمَارِ الدُّهْنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ... يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۹/۲)؛ امام سجاد (ع) فرمود: خدای سبحان هر بنده سپاسگزاری را دوست دارد.

شکرگزاری، خصلتی است که هر انسان با ایمان باید برای رهایی از عذاب دنیوی و اخروی و رسیدن به سعادت و اوج کمال انسانی، خود را بدین خوی خدایی آراسته گرداند؛ چنان که قرآن کریم در این باره فرموده است: ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾؛ (نساء: ۱۴۷)، اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ خدا شکرگزار آگاه است. (اعمال و نیات شما را می‌داند و در مقابل اعمال نیک شما، پاداشی نیک عطايتان می‌کند).

شکر به هنگام برخورداري از نعمت‌ها و یادآوری عظمت و ارزش آنها اعم از مادی و معنوی، موجب تقرب به درگاه الهی و قرارگرفتن در بستر پرستش حق است که نهایت هدف جهان آفرینش می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم در موارد متعددی پس از بیان نعمت‌های مادی و معنوی که به بندگان عنایت فرموده است، سخن از شکر به میان می‌آورد تا همگان بدانند که هر نعمتی را شکر لازم است. البته! شکر بیشتر از مقوله عمل است و شاید به همین جهت است که قرآن کریم، شکرگزاران واقعی را اندک می‌شمارد؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿... وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾؛ [سبأ/۱۳] و (هرچند) از بندگان من، عده‌قلیلی شکرگزارند. در هر صورت، حقیقت شکر آن است که، نعمت در آن راهی که برای آن آفریده شده است استفاده شود.

شکر مُنعم، از امور عقلی است و هر عاقلی به آن حکم می‌کند، خداوند متعال نیز به بندگانش دستور می‌دهد که شکر نعمت‌ها را به جای آورید: ﴿... وَأَشْكُرُوا لِي...﴾، [بقره/۱۵۲]؛ و از طرف دیگر از بندگان شکور [ابراهیم (ع) و...]، تعریف و تمجید نموده است: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ... شَاكِرًا لَّا تُعْمِيهِ...﴾؛ [نحل: ۱۲۰-۱۲۱] همانا ابراهیم... شکرگزار نعمت‌های او بود...» بندگان غیر شکور را مورد سرزنش

قرار می‌دهد: «وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفْلا يَشْكُرُونَ»؛ (یس: ۷۳) و برای آنها در آن حیوانات، منافع (بسیاری از پوست و پشم و کرک و غیره) و آشامیدنی‌های فراوان (از شیر و ماست و روغن و غیره) هست، آیا شکر (این نعمت‌ها را) نباید به جای آرند؟ شکر را موجب زیاد شدن نعمت و کفران را موجب حرمان نعمت می‌داند.

شکرگزاری، تفضلی از سوی خداوند است که نصیب بندگان می‌شود و به انسان شاکر ارزش می‌دهد؛ چنان که امام سجاد چنین گوشزد می‌کند که اگر انسان می‌تواند ولی نعمت خود را در قبال این همه نعمت‌ها که در اختیار وی قرار داده است، شکرگزار باشد، به سبب لطفی است که خدا به وی فرموده است. امام علیه السلام در این رابطه، این‌گونه به درگاه حضرت حق متعال راز و نیاز می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَتْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُزِمُّهُ شُكْرًا»؛ (همان، دعای ۳۷)
بار خدایا، کسی هنوز سپاس نعمت را چنان که باید به جای نیاورده که نعمت دیگرش ارزشی داری و شکر دیگری واجب گردانی.

اسلام می‌خواهد مردم به درجه‌ای از یقین برسند که در صورت آرامش و یا روی آوردن مصائب، شکر خدا را به جای آورند. به نظر می‌رسد که انسان‌ها پس از دریافت نعمت، شکر به جای آورند اما عارفان و اهل معرفت معتقدند که حتی بلایی که انسان بدان گرفتار می‌شود جای سپاس دارد و شخصی که به ناراحتی مبتلا شده خداوند را حمد گوید که از میان بلاهای گوناگون به یکی از آنها گرفتار آمده است. علماء، درجه شکر را از صبر برتر دانسته و گفته‌اند شکر از رضا برخیزد و ریشه صبر در ناپسندی نهفته است. وظیفه شکرگزاری، نعمتی است که بزرگان دین در کسب آن کوشیده‌اند و خویش را بدان آراسته‌اند؛ چنانچه رسول گرامی اسلام در جهت انجام شکر الهی خودش را به زحمت زیادی می‌انداخت:

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تُثَعِّبُ نَفْسَكَ وَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا...؟»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۵/۲) از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که نزد عایشه بود در پیشگاه الهی سر تواضع فرود آورده و به عبادت و دعا مشغول شد، عایشه که این حالت را از پیامبر خدا دید به او گفت: یا رسول الله چرا خود را به زحمت می‌اندازی با اینکه خداوند تو را آرمزیده است نسبت به گذشته و آنچه آینده خواهی داشت؟ آن حضرت فرمود: ای عایشه نباید بنده شاکری باشم...؟ صحیفه سجادیه، مشتمل بر درس‌های امام سجاد علیه السلام در قالب دعا و راز و نیاز با خداوند سبحان است. یکی از اهداف مهم تربیتی امام زین العابدین علیه السلام در این کتاب دعا، تقویت هر چه بیشتر روحیه شکرگزاری به درگاه خداوند متعال است. آن حضرت در دعاهای مختلف صحیفه سجادیه از جمله در



دعای سی و هفتم که برای «شکرگزاری از خداوند» است، با بیان‌های مختلف به موضوع شکرگزاری و سپاس از خداوند متعال پرداخته است تا به این وسیله ما را به این هدف تربیتی هدایت کند. ایشان در این زمینه با پروردگار خود چنین راز و نیاز می‌کند: «یا مَنْ شُكِرُهُ فَوَزُّ لِلشَّاكِرِينَ»؛ (علی بن الحسین، دعای ۱۱)؛ ای آن که سپاسگزاری از او، دستیابی و رسیدن به خیر برای سپاسگزاران است. انسان‌ها برای نیل به تربیت دینی، نیازمند آشنایی هرچه بیشتر با درس‌های این کتاب انسان‌ساز در قالب دعاها که از جمله آنها مطرح کردن شکر و کارکردهای آن است، می‌باشند؛ بر این اساس لازم است در باره کارکردهای تربیتی شکر از منظر قرآن و صحیفه سجادیه، تحقیق مستقل و جامعی صورت گیرد؛ اما درباره این موضوع، تاکنون تحقیقاتی در قالب پایان‌نامه، مقاله و... صورت گرفته است، بدون آنکه تطبیقی بین قرآن و صحیفه سجادیه انجام گرفته باشد؛ مانند پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی آثار تربیتی حمد و شکر در آیات و روایات (با تأکید بر صحیفه سجادیه)»، به راهنمایی دکتر نجارزادگان و مشاوره دکتر رفیعی از دانشکده اصول‌الدین که در سال ۱۳۸۴ بوسیله نرگس الماسی دفاع شده است. در این پایان‌نامه در قالب چند فصل به موضوعاتی پرداخته شده است؛ از جمله آنکه در یکی از فصل‌ها به معرفی «آثار تربیتی حمد» که شامل دو بخش: الف) بهره‌مندی از آثار اخلاص و کسب مقامات برتر معنوی. ب) پالایش رذایل اخلاقی در سایه کسب معرفت نسبت به اسماء و صفات حمیده حق، پرداخته است و در فصل دیگر «آثار تربیتی شکر» شامل دو بخش: بخش اول شامل: الف) بهره‌مندی از آثار ذکر ب) تقوآمداری، ج) قناعت‌ورزی و آثار آن، بخش دوم شامل: الف) مسئولیت‌پذیری در ادای حقوق، ب) انفاق‌گری و رفع نیازهای اجتماعی را ذکر نموده است و نیز پایان‌نامه واکاوی شکرگزاری، مبانی نظری و شاخصه‌های بارز آن در قرآن و حدیث، دانشجو: حسین درویشی، استاد راهنما: فرحناز وحیدنیا استاد مشاور: مینا یعقوبی از مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام دانشکده الهیات و معارف اسلامی که در سال ۱۳۹۴ دفاع شده است. نگارنده در این تحقیق با پرداختن به اهمیت طرح موضوع به تعریف شکر، انواع، مصادیق و موانع آن پرداخته و سپس مبانی نظری شکر را از منظر قرآن کریم و سیره پیشوایان تبیین نموده است. و همچنین مقاله شکرگزاری در قرآن و آثار و پیامدهای آن، اثر زهرا نساجی زواره که در مجله پاسدار اسلام، سال ۱۳۸۳، شماره ۲۷۴، به چاپ رسیده است، این مقاله، شامل مباحثی مانند: تعریف شکر، مراتب شکر و... می‌باشد و...؛ اما نوشتار حاضر درصدد است تا به روش تطبیقی با استفاده از آیات نورانی قرآن کریم و دعا‌های انسان‌ساز صحیفه سجادیه، نشان دهد که انسان با شکر به درگاه خدا به کمالات اخلاقی، عرفانی و به‌طور کلی به قرب و رشد معنوی و... می‌رسد و رسیدن به این خصائص از اهداف و وظایف اخلاقی - تربیتی اسلام

است که منجر به تأمین سلامت روان خواهد شد. در تحقیق پیش‌رو، به تک‌تک این کارکردهای تربیتی در آیات قرآن کریم و صحیفه سجادیه به صورت مقارن، پرداخته شده تا نشان داده شود که آراستگی به این خصلت‌ها، نتایج مثبت در بردارد که در رفتارهای انسان نمود پیدا خواهد کرد؛ بنابراین شکر به درگاه خداوند، زمینه را برای سازندگی انسان در جهت هدایت و رشد و معنویت او فراهم می‌آورد و انسان را به قرب الهی که سعادت دنیوی و اخروی اوست، می‌رساند.

الف. مفهوم‌شناسی کارکرد تربیتی شکر و اهمیت آن

۱. شکر

شکر در لغت معانی گوناگونی به کار رفته است:

تصور و اظهار نعمت: راغب می‌نویسد: «الشُّكْرُ تَصَوُّرُ النَّعْمَةِ وَإِطْهَارُهَا وَبِضَادِّهِ الْكُفْرُ وَهُوَ نِسْيَانُ النِّعْمَةِ وَسَتْهَاهَا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۱۱/۱؛ قرشی بُنابی، ۱۳۷۷: ۶۲/۴) شکر عبارت از یاد نعمت و ابراز آن است و مقابل آن کفر نعمت است که مراد فراموشی نعمت و پوشاندن آن است. تعظیم و بزرگداشت: مصطفوی می‌نویسد: شکر، اعتراف به نعمت، همراه با تعظیم و بزرگداشت نعمت‌دهنده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹۹/۶).

در اصطلاح تعریف «شکر» چنین گفته‌اند: «اسْتِعْمَالُ الشَّيْءِ فِيمَا خَلَقَ اللَّهُ لِاجْلِهِ» به کاربردن شیء در راهی که به خاطر آن آفریده شده است؛ یعنی نعمتی را که خداوند متعال به ما ارزانی داشته است، از مسیر خودش منحرف نکنی و در مسیری دیگر استفاده نکنی (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۱۵/۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۷۳/۳).

۲. تربیت

خلیل بن احمد فراهیدی، از لغت‌شناسان قرن دوم، در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت هست؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: «رَبَا الْجِرْحَ وَالْأَرْضَ وَالْمَالَ وَكُلَّ شَيْءٍ يَرْبُو رَبْوًا» (فراهیدی، بی‌تا: ۲۸۴/۸) هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌دارد. نیز در لغتنامه دهخدا، تربیت به کارکردن و عمل؛ رفتار و البته در برخی موارد نیز بازده، راندمان، عملکرد و محصول، معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۵۸۴۱/۵).

در اصطلاح تربیت به معنای پرورش دادن و استعدادهای درونی بالقوه را به فعلیت رساندن است.

(مطهری، ۱۳۶۶: ۵۷)



۳. کارکرد

در لغت به معنای کار کردن و عمل، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۷۹۷۲) کارکرد تربیتی: منظور از کارکرد تربیتی شکر، نقش‌های مثبتی است که شکر به صورت پنهان و یا آشکارا در زندگی یک فرد دارد و زمینه نیل به اهداف و الاثر زندگی وی را فراهم می‌سازد. (فقیهی، ۱۳۹۶: ۷۶).

۴. اهمیت و جایگاه شکر

آموزه‌های دینی، اهمیت و جایگاه والایی برای شکر در نظر گرفته‌اند تا جایی که آن را بر ایمان مقدم دانسته، مقدمه و لازمه ایمان آوردن معرفی نمودند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ»؛ (نساء: ۱۴۷)، یعنی خدا هیچ‌وقت شما را عذاب نمی‌کند اگر شکرگزار باشید و ایمان بیاورید.

معصومان علیهم‌السلام نیز برای شکر، ارزش و اعتبار زیادی قائل هستند؛ امام رضا علیه‌السلام در این باره چنین فرمود: «الشاكرُ اُسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي اَوْجَبَتِ الشُّكْرَ لِأَنَّ النِّعْمَ مَتَاعٌ وَالشُّكْرَ نِعْمٌ وَعُقْبَى»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۳) شکرگزار را، به جهت شکرگزاری، سعادت است بزرگ‌تر از نعمتی که شکرگزاری را بر او واجب کرده است؛ زیرا نعمت، کالایی است و شکر، نعمتی همراه با آخرت. و همچنین امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «... لا يَنْقُطُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقُطَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ...» (همان: ۴۵۷)؛ همواره خداوند، بر نعمت‌هایی که به انسان داده، می‌افزاید، به شرط آن‌که انسان، شاکر نعمت‌های الهی باشد.

شکر، راه وصول به نعمت‌های پروردگار

نقطه مقابل کفران و ناسپاسی، شکر پروردگار است و مفهوم آن، قدردانی از نعمت‌ها با قلب، زبان و عمل است. شکر با قلب، همان معرفت پروردگار و تسلیم در برابر او و رضا و خشنودی به عطایای او است، سپاسگزاری با زبان، گفتن جمله‌هایی است که بیانگر قدردانی و سپاس انسان در برابر خالق نعمت‌ها است و اما شکر با عمل به این طریق است که هر نعمت و موهبتی را در جایی صرف کند که خداوند دستور داده و برای آن آفریده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳/۸۲)

شکرگزاری و سپاس، نه تنها در برابر خالق که در برابر مخلوق نیز مطلوب است. کسی که به دیگری خدمت می‌کند و نعمتی در اختیار او می‌گذارد و از مواهب خویش به او می‌بخشد، هرچند انتظار قدردانی و تشکر نداشته باشد، و آن را وظیفه انسانی خویش بداند، چنین کسی به یقین در برابر خالق متعال نیز شکرگزاری نخواهد کرد، به خصوص اینکه نعمت‌هایی که مردم به یکدیگر می‌دهند چون

محدود است و گهگاه واقع می‌شود، به چشم می‌آید، برخلاف نعمت‌های الهی که تمام وجود ما را در تمام عمر احاطه کرده و به همین دلیل گاه از شدت ظهور مخفی و پنهان می‌شود. دیگر آن که تشکر از مخلوق در واقع تشکر از خدا است؛ چراکه مخلوق، واسطه‌ای بیش برای انتقال نعمت خدا به بندگان نیست؛ بنابراین، کسی که شکر مخلوق را به جا نیاورد، در واقع شکر خدا را به جا نیاورده است.

خداوند در قرآن مجید نیز صریحاً دستور شکرگزاری نسبت به بندگان را صادر کرده و آن را در کنار شکرگزاری از خودش قرار داده است، آنجا که می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»؛ (لقمان: ۱۴)؛ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد) و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است! در روایات اسلامی نیز بر این معنی تأکید شده که هم در برابر نعمتی که کسی به شما می‌بخشد، سپاسگزار باشید و هم به کسی که سپاسگزاری می‌کند، نعمت بیشتری بدهید؛ چنان که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: در تورات این جمله نوشته شده: «اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَانْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۴/۲) از کسی که به تو نعمتی می‌بخشد تشکر کن و به کسی که از تو تشکر می‌کند، نعمت بیشتری ببخش).

مسئله دیگر آنکه تشکر از مخلوق در واقع تشکر از خدا است؛ چراکه مخلوق، واسطه‌ای بیش، برای انتقال نعمت خدا به بندگان نیست؛ بنابراین کسی که شکر مخلوق را به جا نیاورد، در واقع شکر خدا را به جا نیاورده است. به یقین، پدر و مادر تنها کسانی نیستند که بر گردن انسان حق دارند (هرچند حق آنها بسیار بزرگ است) اهرکس، حقی معنوی یا مادی داشته باشد باید در برابر او تشکر کرد.

در حالات پیشوایان بزرگ اسلام نیز دیده شده است که گاه کمترین خدمت را با بزرگترین نعمت پاسخ می‌گفتند؛ مانند داستان هدیه شاخه گل یکی از کنیزان امام حسین علیه السلام به آن حضرت و در برابر آن، آزاد ساختن او به وسیله امام علیه السلام، معروف است، در این باره، از آنس چنین نقل شده است: «كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ عَ فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ جَارِيَةٌ فَحَبِيثَةٌ بِطَاقَةٍ رِيحَانٍ فَقَالَ لَهَا أَنْتِ حُرَّةٌ لَوْ جِئْتِ لَوْجِهِ اللَّهُ فَقُلْتُ تَجِيئُكَ بِطَاقَةِ رِيحَانٍ لَا خَطَرَ لَهَا فَتَغْتَبِقُهَا قَالَ كَذَا أَدْبَتَنَا اللَّهُ قَالَ اللَّهُ وَإِذَا حَبِيثَةٌ بِتَجِيئَةٍ فَحَبِيوَا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوَهَا وَكَانَ أَحْسَنَ مِنْهَا عَثْقُهَا»؛ (اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱: ۳۱/۲) نزد حسین علیه السلام بودم که کنیزی با دسته گلی به دست وارد شد و با آن به حضرت علیه السلام درود فرستاد. امام علیه السلام به او فرمود: «تو در راه خدا آزادی». من گفتم: او با یک دسته گل که هیچ اهمیتی ندارد، به تو درود می‌فرستد و تو او را آزاد می‌کنی؟! امام علیه السلام فرمود: «خداوند، ما را چنین تربیت کرده و فرموده است: "چون شما را به درودی نواختند به درودی بهتر از آن یا همانند آن پاسخ گوید" و بهتر از آن دسته گل، آزاد کردن او بود».



ب. کارکردهای تربیتی شکر

۱. نیل به مقام رضا

رضا عبارت است از: خشنودی بنده از حق - تعالی شأنه - و اراده او و مقدرات او (خمینی، ۱۴۰۹: ۱۶۷)

برخی از عالمان اخلاق با استفاده از آیات و روایات، مقام رضا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: رضا آن است که: شخص به آنچه در زندگی قسمت او می‌شود و از سوی خداوند برای او مقدر می‌گردد، خشنود باشد و بر آن اعتراضی نداشته باشد. (انصاری، ۱۳۶۱: ۲۶؛ طوسی، ۱۳۲۶، ۱، قشیری، ۱۳۴۱: ۳۱۶)

مقام رضا مقامی والا و بلند است که برای رسیدن به آن باید بسیار تلاش کرد، رضا یعنی انسان با زبان و در دل، از مقدرات الهی راضی بوده و هیچ‌گله و شکایتی نداشته باشد. کسی که راضی به رضای حق است، نسبت به تک‌تک احکامی که خداوند متعال در قرآن عزیزش فرموده، از ته دل راضی است؛ لذا کوشش می‌کند تا در عمل نیز عامل به احکام الهی باشد.

انسان شکرگزار با مطیع کردن نفس خود، به دنبال خشنودی خداست؛ به عبارت دیگر، کسی که در زندگی، شکرگزار خدا باشد، دست از زیاده‌خواهی برمی‌دارد و به آنچه خداوند به او عنایت کرده است، بسنده می‌کند، در این صورت است که به مقام رضا دست یافته است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...﴾ (زمر: ۷)؛ اگر همه کافر شوید خدا از (طاعت) همه شما البته بی‌نیاز است و کفر (و شرک) را بر بندگانش نمی‌پسندد و اگر (طاعت و) شکرش به جای آرید از شما آن پسند اوست. بنده‌ای که خدا از او راضی باشد، قطعا او نیز از پروردگارش رضایت دارد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...﴾؛ (مانده: ۱۱۹) هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند.

و نیز امام سجاد (علیه السلام)، هنگام بیماری، به درگاه خداوند متعال چنین دعا می‌خواند: «فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيِ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيِ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَىٰ بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قُتِّ الصِّحَّةِ... أَمْ وَقُتِّ الْعِلَّةِ... اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي»؛ (علی بن الحسین، دعای ۱۵) پس نمی‌دانم، ای خدای من! کدام‌یک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری تو واجب‌تر و کدام‌یک از این دو هنگام، برای ستایش تو سزاوارتر است: هنگام تندرستی یا بیماری؟ بارخدا! بر محمد و آل او درود فرست و آنچه را برایم پسندیده‌ای، محبوب من گردان.

حضرت زین العابدین (علیه السلام) در این دعا، به بالاترین مراحل رضا که رضایت انسان به قضا و قدر الهی است، اشاره می‌کند؛ یعنی هر چه خدا انجام می‌دهد، او پسندد و به آن خشنود باشد.

و نیز عرضه می‌دارد: «وَلَكِ الْخُحْدُ عَلَىٰ مَا أُحْدِثْتُ بِی مِنْ عِلَّةٍ فِی جَسَدِی»؛ (همان، دعای ۱۵) سپاس تو را بر این بیماری که در تن من پدید آوردی»، اما در مسئله بیماری، جالب است امام علیه السلام می‌فرماید: خدایا تو را شکر می‌کنم به خاطر بیماری که به من دادی. در واقع حضرت در این فرمایش، توجه ما را به سمت شکرگزاری از نعمت‌های پنهانی، معطوف می‌دارد.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: کسی که - نعوذ بالله - به یکی از احکام اسلامی در باطن قلب اعتراضی دارد، یا کدورتی از یکی از احکام اسلامی در دل دارد یا بخواهد که یکی از احکام غیر از اینکه هست باشد، یا بگوید که کاش این حکم کذایی این طور بود نه آن طور، این راضی به دین اسلام نیست و نمی‌تواند این دعوی کاذب را بکند (خمینی، ۱۴۰۹: ۱۶۷).

۲. نجات از عذاب‌ها و بلاها

درک عظمت خالق از طریق ذکر نعمت‌های الهی و سپس شکرگزاری در برابر نعمت‌های او از اصول رویکرد تربیتی در قرآن کریم و صحیفه سجادیه است. شکر نعمت، نقطه مقابل کفران نعمت، قرار دارد. کفران نعمت از گناهان کبیره و به معنای ناسپاسی و استفاده نابه‌جا از نعمت‌ها و ضد شکر نعمت است. و از آنجا که شخص در واقع، در پوشاندن ارزش نعمت، سعی می‌کند، به عمل او کفران نعمت می‌گویند. ناسپاسی از نعمت‌های الهی، عذاب‌های جسمی و روحی را به دنبال دارد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَّاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ (نحل: ۱۱۲) خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید!

و نیز می‌فرماید: «لَوْ لَيْسَ شُكْرُكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ (ابراهیم: ۷) اگر شکر کنید البته نعمت را بر شما زیاد می‌کنم و اگر کفران کنید همانا عذاب من سخت و شدید است.

در مقابل پیامدهای کفران نعمت، آیات متعددی، شکر نعمت را مانع عذاب معرفی می‌کنند: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا»؛ (نساء: ۱۴۷) اگر سپاسگزار و مؤمن باشید، چرا خداوند شما را عذاب کند، خداوند شکرپذیر داناست.

خداوند متعال در این آیه، سپاسگزاری از نعمت‌های الهی را مانع نزول عذاب معرفی می‌فرماید و در ادامه نیز خود را با صفت شاکریت معرفی می‌نماید. گویا این عبارت به این مطلب رهنمود دارد که خداوند متعال نیز به ازاء اطاعت‌پذیری بنده، با وارد کردن او در رحمت خود و نگه‌داشتن بنده از عذاب الهی از او شکرگزاری می‌کند.



و همچنین می فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان: ۱۲)؛ به راستی و درستی لقمان را حکمت دادیم که: برای خدا شکر کن و اهرکس شکرگزارد، تنها به سود خود شکر می گزارد؛ و اهرکس کافر شود یا کفران کند، پس، خدا همانا بی نیازی ستوده است.

از آنجایی که شکر و سپاسگزاری دارای ابعاد گوناگونی است، امام سجاد (علیه السلام) در فرازی دیگر از این کتاب شریف دعا، نیز حمدی را روا داشته که بدان وسیله انسان از عقاب الهی رسته و در جوار کرامت الهی (در کنار انبیا و ملائکه الله) قرار گیرد. ایشان با خدای خویش، چنین زمزمه می کند: «حَمْدًا نُعْتَقُّ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ»؛ (همان، دعای ۱) حمد و سپاسی که ما را از آتش دردناک حق، آزاد و در جوار کرم نامتناهی اش جای دهد.

علامه جعفری در این رابطه می نویسد: شکر و سپاس، یکی از عالی ترین عوامل سازنده روح انسانی است. آغاز چنین معرفت و عمل، آغاز تکامل انسانی و برقراری یک ارتباط معقول میان او و جهان هستی و همنوعان خویش می باشد. در راه وصول به چنین مقام والا، نخستین معرفتی که نصیب انسان می گردد، این است که اولاً می فهمد که به هیچ وجه از خلاق هستی و فیض بخش کائنات، طلبکار نیست که در نتیجه آنچه را که در این زندگانی به دست می آورد، یک ضرورتی باشد که خداوند مجبور است آن را به مخلوقات خود بدهد؟ تنها چنین معرفت است که فیض بودن هستی را برای انسان قابل درک می سازد. یک نتیجه بسیار با اهمیت که از این درک حاصل می شود طراوت و انبساط و سرور درونی است که با غوطه ور شدن در مصائب و ناگواری های حیات طبیعی هرگز مختل نمی گردد... هر نعمتی شایسته شکر است که برای برآمدن از عهده حق آن نعمت بایستی آن را به جای آورد و خود این توجه و آگاهی تدریجاً می تواند اراده شکرگزاری را تحریک نموده و این کمال را نصیب انسان سازد. (علامه جعفری، ۱۳۷۶: ۱۳/۱۲-۱۰).

۳. استحقاق ثواب اخروی

شکرگزاری در برابر نعمت های خداوند، عامل برخورداری از پاداش الهی: قرآن کریم در آیات متعددی در این باره، چنین فرموده است: «...وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»؛ (آل عمران: ۱۴۵) و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند.

علامه طباطبائی در توضیح جمله «سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»، می نویسد: حقیقت شکر، اظهار نعمت است و اظهار نعمت به این معناست که آن را در جای خود استعمال کنی، آنجایی که دهنده نعمت در نظر داشته و نیز به این معنا است که آن را به زبان بیاوری و مُنعم را در برابر دادن این نعمت، ثنا بگویی و مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد آن و به یاد منعش باشی و از یادش نبری. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۶۵/۷)

و نیز قرآن می‌فرماید: «نِعْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ»؛ (قمر: ۳۵) این نعمتی بود از ناحیه ما، این‌گونه کسی را که شکرگزار است پاداش می‌دهیم.

مرحوم علامه همچنین در تبیین آیه فوق می‌نویسد: «پاداش شکر به درگاه الهی، نجات آفرین است و نجات، نعمتی مخصوص است». (همان: ۱۳۹۰: ۸۱/۱۹)

جزای شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی، هدایت‌پذیری و برگزیدگی است؛ چنانچه قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام را هدایت یافته و برگزیده الهی معرفی می‌فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ ... شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتِبَاءً وَهَدَاةً إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»، (نحل: ۱۲۰ - ۱۲۱)؛ همانا ابراهیم (خلیل) ... همیشه شکرگزار نعمت‌های خدا بود که خدا او را (به رسالت) برگزید و به راه مستقیمش هدایت فرمود. از این آیه می‌توان چنین استفاده کرد که چون حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به نعمت‌های الهی شکرگزار بود، در این راه ایستادگی کرد و از مشرکان اعراض نمود، خداوند او را به‌عنوان رسول خویش برگزید و به راه راست هدایت کرد؛ لذا برای اینکه درهای رحمت‌های الهی در برابر ما باز شود، باید شکرگزار باشیم تا زمینه دریافت نعمت‌های بیشتر را مهیا کنیم؛ بنابراین شکر در دنیا به انسان عزت و جایگاه می‌دهد و موجب هدایت او می‌شود.

علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «این آیه درباره حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ پس علت اینکه خداوند ایشان را برگزیده و او را برای خود خالص نموده، شکرگزاربودن او در برابر نعمات الهی است و به همین دلیل هم خداوند او را به صراط مستقیم و راه محکم می‌که هرگز پوینده آن گمراه نمی‌شود، هدایت فرمود و او را از پراکندگی در مذاهب گوناگون حفظ نمود. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۶۸/۱۲)

امام زین العابدین علیه السلام در دعای سی و هفتم صحیفه سجادیه، ثنا گوی خداوند متعال است، به خاطر آنکه در مقابل عمل اندک بندگانش، پاداش و ثواب بسیار می‌دهد، حضرت به بارگاه ربوبی چنین عرضه می‌دارد: «تَشْكُرُ بِيَسِيرٍ مَا شَكَرْتَهُ، وَ تُثِيبُ عَلَيَّ قَلِيلًا مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّىٰ كَأَنَّ شُكْرَ عَبْدِكَ الَّذِي أُؤْتِيَتْ عَلَيْهِ ثَوَابُهُمْ وَأَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ أَمْ مَلَكُوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ، أَوْ لَمْ يَكُنْ سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ...» (علی بن الحسین، دعای ۳۷)؛ جزای بسیار می‌دهی عمل اندکی را که پذیرفته‌ای و فرمانبری کمی را پاداش می‌دهی تا این‌که گویا شکر بندگانت که پاداششان را بر آن لازم گردانیده‌ای و جزای آنان را از آن بزرگ نموده‌ای کاری است که بی (قدرت و توانائی دادن) تو بر امتناع و بازایستادن از آن قدرت دارند پس از این‌رو آنان را پاداش داده‌ای، یا سبب آن سپاسگزاری به‌دست تو نبوده پس از این‌رو اینان را مزد داده‌ای.

و نیز حضرت در دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه به درگاه خداوند متعال چنین مناجات می‌کند: «تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَ أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ»؛ (همان، دعای ۴۵)، هرکه تو را سپاس گزارد، پاداش می‌دهی، حال آن‌که تو سپاسگزاری را به او الهام کرده‌ای.



۴. افزایش نعمت، استمرار و مداوم آن

شکرگزاری از نعمت‌های الهی، کارکردهای تربیتی زیادی را برای انسان در همین دنیا به ارمغان می‌آورد که آشکارترین آن «فراوانی روزی»، «فزونی خیر و برکت»، «دوام و ماندگاری نعمت» و «در امان ماندن نعمت از بلا و نعمت» می‌باشد، اثر تربیتی گرانبهایی که از رهگذر آیات و روایات، به خوبی قابل اثبات و دستیابی است؛

چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ (ابراهیم: ۷)، پروردگارتان اعلام داشت که: اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود؛ و اگر کفران و ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است». این بدان معناست که شکر و سپاس از نعمتی، موجبات افزایش بهره‌مندی شخص از نعمت دیگر بیشتر می‌شود و از جهات دیگر بهره‌مندی‌های او نسبت به نعمت افزایش می‌یابد. از این رو خداوند مصداق افزایش را بیان نمی‌کند و می‌فرماید که سپاسگزاری، افزایش نعمت را در پی دارد، اما در این زمینه، مساله یا موضوعی را معین نکرده است تا ابعاد افزایش، گسترش یابد و موضوعات و مسائل متنوع و گوناگونی را دربرگیرد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که آیا آیه «اگر سپاس گوید نعمت شما را می‌افزایم» شامل شکر نعمت ظاهری می‌شود؟ فرمود: آری، کسی که خدا را بر نعمت‌هایش ستایش کند و سپاس گوید و بداند که آن نعمت‌ها از جانب خداست، نه دیگری (خداوند بر نعمت‌هایش می‌افزاید)، زیادتی نعمت، برای کسی است که حمد و شکر خداوند را بر نعمت‌هایش به جا آورد و بداند که نعمت‌ها تنها از آن خدا و از سوی اوست؛ نه از غیر او.

و نیز قرآن مجید می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ؛ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ؛ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ»، (سبأ: ۱۵-۱۶) و برای (اولاد و قوم) سبا در وطنشان (سرزمین یمن و شام) از راست و چپ (جنوب و شمال) دوسلسله باغ و بوستان آیتی (از لطف و رحمت حق) بود (همه پر نعمت و به آنها گفتیم که) بخورید از رزق خدای خود و شکر وی به جای آرید که مسکنتان شهری نیکو و پر نعمت است و خدای شما غفور (و مهربان) است؛ اما آنها (از خدا) روی گردان شدند و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم!

از امام صادق (علیه السلام) درباره کارکرد شکر چنین نقل شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي السُّورَةِ أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعَمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفِرَتْ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعْمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ (۹۸، ۲، ۱۴۰۷)، در تورات، نوشته شده است: اهرکس تورا نعمتی داد، شکرش گزار و بر هر که شکرت گزارد، نعمت، ببخش؛ چرا که با شکرگزاری، نعمت‌ها نابود نگردد و با ناشکری، پایدار نماند؛ شکرگزاری مایه فزونی نعمت و ایمنی از دگرگونی و نعمت است.

امام زین العابدین (علیه السلام) با اشاره به آیه شریفه فوق (ابراهیم: ۷) با خداوند متعال این‌گونه سخن می‌گوید: «وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ يَقُولُكَ مِنْ غَيْبِكَ وَ تَرْغِيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَ لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَ لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: لَيْسَ شُكْرُكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَيْسَ كَفْرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»، (علی بن الحسین، دعای ۴۵) و تویی که با گفتارت از غیب خود و تشویقت که بهره آنها در آن است، به اموری راهنمایی کردی که اگر آن امور را از ایشان می‌پوشاندی، دیدگان‌شان آنها را درک نمی‌کرد و گوش‌هایشان فراموش نمی‌گرفت و اندیشه و فکرشان به آنها نمی‌رسید. و فرمودی: هرآینه اگر (مرا بر نعمتی که به شما داده‌ام) سپاسگزاری‌اید، شما را فزونی دهم و اگر ناسپاسی کنید، همانا کیفر من سخت است.

سعدی از شاعران بزرگ زبان فارسی و از ارکان ادب ایرانی، با الهام از آیه فوق، باسرودن شعر زیر، شکر را خارج از توان انسان دانسته است:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید (سعدی، ۱۳۷۶: ۲).

بنابراین هر کس توفیق شکرگزاری دائم بیابد، از خیر، برکت و فزونی مداوم نعمت، بهره‌مند خواهد بود و کسی که از ناسپاسان باشد و شکرگزاری ننماید، نعمت‌های موجود را از دست می‌دهد و به سرانجام شومی گرفتار خواهد شد. به قول مولوی:

شکر نعمت، نعمت افزون کند ز آنکه بی‌شکری بود شوم و شنار
کفر نعمت، از کفت بیرون کند می‌برد بی‌شکر را در قعرِ نار

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۴۷).

۵. افزایش وجودی انسان

اینکه در دربرخی اشعار فارسی برگرفته از آیات و روایات آمده است: شکر نعمت نعمت افزون کند/ کفر نعمت از کفت بیرون کند. مطلب درستی است؛ اما بر اساس آیات قرآن، چیزی که با شکر نعمت، اتفاق می‌افتد مسأله‌ای فراتر از افزایش خودِ نعمت است؛ زیرا خداوند متعال در قرآن کریم



می فرماید: لَيْسَ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ (ابراهیم: ۷)، اگر سپاسگزار باشید هرآینه بر شما می افزایم. این بدان معناست که شکر نعمت، موجب می شود تا خداوند ظرفیت وجودی انسان را افزایش دهد، شرح صدر در انسان پدید آید و در جان و روح او رشد و کمال ایجاد شود و زمینه را برای بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های جدید یا همان نعمت پیشین در قالب بهتر و سود بیشتر فراهم آورد. و در نهایت، او را در مقام قرب الهی قرار دهد.

امام سجاد علیه السلام در یکی از دعاهایش، شکر به درگاه الهی را راهنمای آدمی در جهت نیل به رشد و کمال می‌داند و چنین عرضه می‌دارد:

«وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَوَغَّيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَطُّهُمْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُذَرِكُهُمْ أَبْصَارُهُمْ، وَ لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَ لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ «أَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، وَ أَشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ» وَ قُلْتَ «لَيْسَ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَيْسَ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (علی بن الحسین، دعای ۴۵) و تویی که با گفتارت از غیب خود و تشویقت که بهره آنها در آن است، به اموری راهنمایی کردی که اگر آن امور را از ایشان می‌پوشاندی، دیدگان‌شان آنها را درک نمی‌کرد و گوش‌هایشان فرا نمی‌گرفت و اندیشه و فکرشان به آنها نمی‌رسید. پس گفتی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاسگزارید و کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر کنید، بر شما افزون می‌کنم؛ و اگر ناسپاسی کنید، محققاً عذاب من سخت است.» امام سجاد علیه السلام با توجه به آیات ذکر شده در این فرازهای دعا، انسان‌ها و امت اسلامی را نسبت به استفاده از قرآن و بهره‌مندی از آن، توجه می‌دهد و اگر انسان در آیات الهی تفکر و تدبّر کند و به لطایف و راهنمایی‌های قرآن واقف گردد، به‌طور یقین در سرنوشت خود و در اجتماع دچار نابسامانی و کجی نخواهد شد و او را در مسیر صراط مستقیم، کمک و یاری خواهد نمود و به سعادت ابدی خواهد رساند.

۶. دستیابی به رستگاری

رسیدن به فلاح، سعادت نهایی بشر است. علی علیه السلام پس از طی کردن پله‌های کمال و ترقی، جمله پرمعنا و عمیق «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» (رضی، ۱۴۰۶: ۶۳) به خدای کعبه رستگار شدم] را هنگام ضربت خوردن و رسیدن به فوز شهادت، بر زبان مبارکش جاری فرمود.

برای رسیدن به رستگاری، راهکارهایی لازم است. از جمله آنها یاد کرد نعمت‌های الهی و شکرگزاری به درگاه پروردگار متعال است که رمز رستگاری است؛ زیرا یاد نعمت‌های خداوند متعال و تشکر از او، عشق و محبت می‌آورد، محبت، اطاعت و اطاعت، نیز فوز و فلاح را به دنبال دارد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «... فَأَذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ (اعراف: ۶۹) پس نعمت‌های خداوند را به یاد آورید (شکر نعمت کنید) تا رستگار شوید.

برابر این آیه، یادآوری نعمت‌های الهی، تأثیر شگرفی در توجه آدمی به خدا و دستیابی به رستگاری دارد. امام سجاده علیه السلام در یکی از دعاهایش به درگاه الهی، شکر را مایه رستگاری می‌داند و چنین عرضه می‌دارد: «یا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ»؛ (علی بن الحسین، دعای ۱۱) ای آنکه سپاسگزاریش، موجب دست‌یافتن سپاسگزاران (بر نعمت‌ها) است.

نتیجه‌گیری

واژه شکر از مفاهیم پر بار قرآنی و حدیثی است. شکرگزاری، تفضُّلی از سوی خداوند است که نصیب بندگان می‌شود و به انسان شاکر ارزش می‌دهد؛ تشکر از خداوند متعال، خصلتی است که هر انسان با ایمان باید برای رهایی از عذاب دنیوی و اخروی و رسیدن به سعادت و اوج کمال انسانی، خود را بدین خوی خدایی آراسته گرداند. در نگاه قرآن کریم و صحیفه کامله سجادیه، شکر به درگاه الهی، کارکردهای تربیتی زیادی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها را می‌توان کسب رضایت الهی، دستیابی به رستگاری، افزایش وجودی انسان و... ذکر کرد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، چاپ: دوم، ۱۳۶۳ش.
۳. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط- القديمة)، محقق/مصحح: رسولی، محلاتی، سید هاشم، تبریز: انتشارات بنی هاشمی چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
۴. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۵. انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۱ش.
۶. انصاریان، حسین، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۹ش.
۷. ترجمه قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۸. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل (موسوعة الإمام الخمينی ۴۹)، محقق: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ۱۵، ۳۹۲ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، زیر نظر معین، محمد و شهیدی، جعفر، تهران: روزنه، ۱۳۷۳ش.
۱۰. رضی، محمد بن حسین، خصائص الأئمة (الخصائص) (میراث)، محقق و مصحح: محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۱. سجادی، احمد، فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه، حوزه علمیه اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای، چاپ سوم، ۱۳۹۲ش.
۱۲. سعدی، مصلح بن عبدالله، گلستان، تهران: نشر دانش، ۱۳۷۶ش.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله و رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۵. طوسی، خواجه نصیر الدین، اوصاف الشراف، تهران: نشر علم، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۱۶. طوسی، محمد حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۷. علی بن حسین (علیه السلام)، صحیفه سجادیه، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، بی تا.
۱۹. فقیهی، علی نقی، مشاوره و روان درمسانی در نگاه اسلامی (مبانی، اصول و روش‌ها)، قم: انتشاراتی ابوالحسنی، ۱۳۹۶ش.
۲۰. قشیری، ابوالقاسم، الرساله القشیریة، ترجمه ابوعلی عثمانی، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۴۱ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، محقق/مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۲ش.
۲۵. _____، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۴ش.